

نگرشی به

## دایرة المعارف تشیخ

محمد حسن . م . تهرانی

دائرة المعارف تشیخ . زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی،  
کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی.

یکی از دایرة المعارف‌هایی که در سالهای اخیر، مجلد اول و دوم آن به بازار کتاب عرضه شده و دیده‌اهلش بدان روشن گردیده، دایرة المعارف تشیخ است که به همت تنی چند از دانشوران فراهم آمده است. وجود چنین دایرة المعارفی که اختصاصاً به معارف شیعی و آراء تشیخ و اندیشه‌های امامیه می‌پردازد، بالاخص در کشور ما که مرکز تشیخ بوده و هست، ضروری است و تلاش فراهم آوردگان آن، ستودنی. ما به نوبه خود ضمن ارج نهادن به این اقدام ارزشمند، آرزو می‌کنیم تا با تلاش پی‌گیر تدوین کنندگان این دایرة المعارف، در آینده‌نه‌چندان دور، مجموعه تکمیل شده آن در اختیار اهل فرهنگ قرار گیرد و دانشنامه‌ای قویم و متین از معارف اهل بیت-علیهم السلام- در منظر تمامی دوستداران و ارادتمندان و پژوهشگران این مکتب بالنده و پاینده قرار گیرد. ان شاء الله.

در این مقال برآنیم تا نگاهی گذرا به این دایرة المعارف بیندازیم و نکاتی چند را در دو بخش، یکی مربوط به جلد اول و دیگری مربوط به جلد دوم، برای اطلاع فراهم‌آوردندگان محترم این مجموعه و خوانندگان آن قلمی کنیم. گفتن ندارد که پاره‌ای از این مسامحات در چنین دایرة المعارف عظیمی، طبیعی است و قاعدتاً در چاپهای بعدی اصلاح خواهد گردید.

تا آنجا که نگارنده به دست آورده است، پیش از این، سه

دایرة المعارف تشیخ

زیر نظر  
احمد صدر حاج سید جوادی  
کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی

مجلد اول  
آب-ایم.

تیراژ  
۳۰۰

نقد دیگر بر دایرة المعارف تشیخ منتشر شده است که تنها مربوط به جلد اول می‌باشد، یکی نقدی مهندسی و محققانه<sup>(۱)</sup> و دو دیگر نقدهایی که به موارد جزئی پرداخته است.<sup>(۲)</sup> نقد حاضر نیز به موارد جزئی می‌پردازد ولی به غیر از یکی دو مورد که بر وجود آن اصرار داشته‌ایم، هیچ اشتراکی با دو نقد پیش ندارد.

### الف) جلد اول

(چاپ دوم: تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۶۹).

ج ۱، سی+۵۸۳ص، رحلی.

اول: ص ۳/ در مدخل «آب»، به هنگام بحث از آب در فقه اسلامی، لازم بود تا به مباحث مهمی-که نقش و تأثیر آب و مسائل مربوط به آن را در فقه اسلام و اختصاصاً شیعه بیان می‌کند- اشاره و به مداخلتش ارجاع داده شود. فی‌المثل مباحث مربوط به آب در بخش مساقاة، آب در مبحث احیاء موات، مسائل فقهی آب در بحث انفال که مشتمل بر ساحل دریاها و بستر رودخانه‌ها می‌باشد، و مسائلی از این قبیل.

دوم: ص ۶/ در مدخل «آبی» (ابوسعبد منصور بن حسین رازی)، از کتاب وی به نام نزهة الادب یاد شده است؛ حال آنکه، صحیح آن، نزهة الادیب است و خود وی در آغاز اثر دیگرش (نثر الدرر) این گونه ضبط کرده است.<sup>(۳)</sup>

سوم: ص ۷/ در مدخل «آبی» (شیخ زین‌الدین ... یوسفی معروف به فاضل آبی ...)، لازم بود تا بنا بر ضابطه معین در مقدمه دایرة المعارف، نام این فقیه نامور در مدخل «فاضل آبی»

چهاردهم: ص ۲۰۸ / در مدخل آل کرباسی، اولاً بایستی طبق ضابطه نقل تراجم، ذیل نام مشهور به «آل کلباسی» تبدیل می شد؛ چنانکه علامه دهخدا نیز نام برخی از تراجم این خاندان را ذیل مداخل «کلباسی» آورده است<sup>(۷)</sup> و در الکنی و الالقباب نیز او را معروف به کلباسی دانسته است<sup>(۸)</sup> و در همین دایرة المعارف در بعضی از مواضع به همین نام آورده شده است.<sup>(۹)</sup> ثانیاً نام سر سلسله این خاندان را شیخ ابراهیم آورده اند که صحیح، شیخ محمد ابراهیم است؛ چنانکه در مواضع دیگر از او به همین نام، یاد شده است.<sup>(۱۰)</sup>

پانزدهم: ص ۳۱۳ / مدخلی برای «ابن جنید اسکافی» که از اعیان امامیه است، وجود ندارد. شهرت او به همین نام است. شانزدهم: ص ۳۲۸ / در شرح حال ابن سینا آورده است: «می گویند در بسیاری از شبها پس از آن که از قیل و قال با شاگردان فارغ می شد به سماع کردن و شراب خوردن می پرداخته و بدین وسیله خود را از سختی کار و فشار علوم رسمی فارغ می کرده است». و نظیر همین جملات را نویسنده محترم این مدخل، در کتابشان (تاریخ فلاسفه ایرانی) هم آورده اند.<sup>(۱۱)</sup> عجیب است که این نسبتهای بدون دلیل را به ابن سینا می دهند، ولی نه در اینجا و نه در آنجا نمی گویند که در شرح حال وی گفته اند که مشکلات علمی خویش را با اقامه نماز در مسجد شهر حل می کرده است.

هفدهم: ص ۳۸۲ / مدخلی برای «ابو بصیر» وجود ندارد؛ حال آنکه این راوی بزرگ شیعی و صحابی باقرین- علیهما السلام- به همین نام مشهور است.

هجدهم: ص ۴۷۰ / در بخش ششم از مدخل «اجازات» نام محقق ثانی را علی بن عبدالعالی کرکه ضبط کرده اند؛ حال آنکه صحیح، کرکی است.<sup>(۱۲)</sup>

نوزدهم: ص ۵۰۷ / در مدخل «احقاق الحق» گفته شده: «... بار دیگر با حواشی و تعلیقات مفصل آیت الله مرعشی نجفی در ۱۶ ج منتشر شد.» جهت اطلاع باید گفت احقاق الحق در ۱۹ ج منتشر شده و از جلد ۲۰ به بعد ملحقات آن آغاز شده که تاکنون تا جلد ۲۵ ادامه یافته و نشر مجلدات بعدی آن ادامه دارد. یک جلد فهرست نیز در کنار مجموع این مجلدات منتشر شده است.

ذکر شود. زیرا گفته اند: در دائرة المعارف تشیع جز رجال حدیث (به استثنای چند مورد) و بغضی افراد که زیر نام کوچکشان وارد شده اند، بقیه تحت نام اشهر آنها آمده اند.<sup>(۴)</sup> و مسلماً این فقیه بزرگ به فاضل آبی اشهر است تا آبی.

چهارم: ص ۱۸ / در مدخل آخوند «ملا فتحعلی عراقی»، پس از ذکر کلمه اخلاقیون لازم بود تا در گروه به مدخل اخلاقیون نیز ارجاع داده شود؛ چنانکه در مدخل «آخوند ملا حسینقلی همدانی» چنین شده است.

پنجم: ص ۲۰ / مدخلی برای ذکر نام-آخوند هیدجی- که به همین نام مشهور است، وجود ندارد.

ششم: ص ۲۲ / در ذکر کتبی که با عنوان آداب الصلوة تألیف شده است، از ذکر نام اثر جاودان و عارفانه حضرت امام خمینی- سلام الله علیه- با وجود اهمیت آن، خبری نیست.

هفتم: ص ۳۳ / مدخلی برای کتاب «آراء اهل المدینة الفاضله»، کتاب بسیار مشهور و مهم و ابتکاری فارابی وجود ندارد.

هشتم: ص ۳۷ / مدخلی برای «آرامگاه حجة الاسلام»، یعنی مقبره مرحوم شفتی که در مسجد سید اصفهان واقع شده و از مراکز مذهبی و علمی مهم آن شهر به شمار می رود، وجود ندارد. شفتی به نام حجة الاسلام مشهور است.

نهم: ص ۶۵ / در مدخل «آستانه ابن حمزه طوسی» ضبط نام وی، عمادالدین محمد صحیح است نه عمادالدین ابومحمد.<sup>(۵)</sup>

دهم: ص ۶۵ / در مدخل «آستانه ابن فهد حلّی»، اولاً تولّد وی در سال ۷۵۷ بوده نه ۷۵۸، و ثانیاً «ابن فهد حلّی اسدی» صحیح است و نه ابن فهد حلّی حائری.<sup>(۶)</sup>

یازدهم: ص ۷۸ / در مدخل «آستانه حضرت عبدالعظیم»، در هنگام ذکر نسب آن حضرت، چند کلمه جا افتاده و جای آنها همان طور خالی مانده است. ظاهراً اشتباه چاپی است.

دوازدهم: ص ۱۲۴ / مداخل «آقا جمال خوانساری» و «آقا حسین خوانساری» با آنکه نام مشهورشان همینهاست، به مداخل «خوانساری» ارجاع داده اند.

سیزدهم: ص ۱۲۷ / مدخلی برای شرح حال «آقا ضیاءالدین عراقی» که بدون شک به همین نام مشهور است، موجود نیست.

مورد مکتب اخلاقی فلسفی - که هیچ شماره یا حرفی «یا الف» پیش از آن نیامده است - بحق درباره اخلاق کلامی را آغاز می کند و می نویسد: «د» اخلاق کلامی ...»

چهارم: ص ۴۲ / در ذکر منابع مدخل «ادله اربعه»، اصول مظفر صحیح است نه اصول مظفری. شاید غلط چاپی باشد. پنجم: ص ۵۴ / در ستون دوم در شرح مدخل «اربلی» در ترجمه مصرع «مثل السفاین غمن تبار»، می نویسند: چون سفاینی که موج دریا از هر سو آن را فرا گرفته است. این دیگر عربی زدگی است. استعمال کلمه سفاین به معنای کشتیها، هیچگاه در فارسی متعارف نبوده است.

ششم: ص ۲۲۲ / در مدخل «اصفهانی» که مربوط به شرح حال مرحوم شیخ ابوالمجد محمد رضا (م ۱۳۶۲ ق) است، باید زندگانی او تحت نام «اصفهانی مسجدشاهی» ضبط و ذکر می شد و تعجب اینکه حتی در همین مدخل، اشاره به پسوند نام وی که مشهور به آن می باشد، نشده است. او معروف به آقا شیخ محمد رضا مسجدشاهی بود و در مسجد نو بازار اصفهان مدفون است.

هفتم: ص ۲۴۸ و ۲۴۹ / در ذیل مدخل «اصول فقه»: (۱) در ص ۲۴۸ / ستون اول: نادرست است که علامه حلی را از اصولیون دوره سوم تصور علم اصول که آغازگرش ابن ادریس - ره - بوده، دانسته اند. حال آنکه هر مدققی اذعان می کند که تألیفات اصولی علامه، خود آغاز یک انقلاب علمی و تطور فرهنگی برای علم اصول بوده است. حتی باید اذعان کرد که بعد از الدررعه و عده الاصول، تا زمان علامه حلی، نظریات جدیدی که بتواند به منزله تطوری ارجمند و افتتاح و آغاز یک دوره محسوب شود، چندان زیاد نبوده است و ابداع و ابتکار علامه در علم اصول، مسلماً از ابن ادریس، ابن زهره و محقق حلی - رضوان الله علیهم - بیشتر بوده است. همین لغزش را در مورد خاتم الفقهاء، شیخ اعظم انصاری نیز مرتکب شده اند و او را از اصولیون بزرگ اواخر دوره پنجم محسوب می کنند؛ حال آنکه در شرح حال وی در همین دائرة المعارف آمده است که: «شیخ، مبتکر علم اصول جدید به شمار می رود» یا «وی علم اصول و فقه را وارد مرحله تازه ای کرد و در هر دو زمینه ابتکارات بی سابقه دارد». (۱۳)

بیستم: ص ۵۰۷ / مدخلی برای «احکام اولیه» وجود ندارد. بیست و یکم: ص ۵۳۷ / در توضیح مدخل «احیاء» در شرح اعمال لیالی احیاء، عبارت «اللهم اسئلك بکتابک ...»، اللهم انی اسئلك بکتابک ... صحیح است. همچنین عبارت «اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته»، من ارسلته به ... صحیح است. این اشتباه، چاپی هم نیست؛ چرا که در ترجمه آن آورده اند: پروردگارا بحق قرآن و بحق رسولانت. همچنین اعمال مشترکه و مخصوصه این لیالی را به طور ناقص ذکر کرده اند. لازم بود کلمه «بعضی از اعمال» را ذکر می کردند تا توهم انحصار نشود.

## ب) جلد دوم

(چاپ اول: تهران، سازمان دایرة المعارف تشیيع، ۱۳۶۸).  
۶۹۰ ص؛ رحلی.

اول: ص ۷ / در مدخل «اخباریه» هیچ نامی از کتاب ارجمند «الحدائق الناضره»، تألیف مرحوم شیخ یوسف بحرانی - ره - که از اعظام اخباریین بوده است، برده نشده است.

دوم: ص ۱۹ / در مدخل «اخلاق»، کتاب شریف معراج السعادة نراقی را جزء آن دسته از کتب اخلاقی ذکر کرده اند که: «... بدون اینکه وارد در این مبحث فلسفی شده باشند که اصلاً فضیلت چیست و منشأ ظهور اخلاق رذیله چیست و راه جلوگیری و طریق زائل کردن خلق و خوی ناپسندیده کدامست؟» حال آنکه معراج السعادة، چنانکه در مقدمه آن آمده است، تلخیص کتاب ارجمند جامع السعادات است و نگرشی اجمالی به فهرست یا مطالب این کتاب، خلاف ادعای نویسنده محترم را اثبات می کند. چرا که در جامع السعادات و تلخیص آن یعنی معراج السعادة مباحث فلسفی و نظری علم اخلاق نیز مطرح شده است.

سوم: ص ۲۴ / در ستون دوم گفته اند: «د» اخلاق کلامی ... سؤال این است که: این «د» بعد از کدام «الف و ب و ج» آمده است؟

توضیح آن که نویسنده در ص ۲۱، در ستون دوم، مکاتب اخلاقی را به سه دسته فلسفی، کلامی، عرفانی، تقسیم کرده و سپس به شرح هر کدام پرداخته است، آنگاه پس از پایان بحث در

۲) در ۲۴۸ / ستون دوم: الروضة البهية صحيح است نه روضة البهية.

۳) در ۲۴۹ / ستون دوم: در مورد شروح و حواشی کفایه گفته اند: «صاحب الذریعه ۱۲ شرح و ۲۶ حاشیه بر آن را ثبت کرده است.» باید گفت از این ۱۲ شرح و ۲۶ حاشیه، ۵ کتاب هم در شروح و هم در حواشی ذکر شده است. «البته در پراگندگی باید گفت که الذریعه ۶ کتاب را مشترك شمرده در حالی که شرح کفایه ایروانی با حاشیه او متفاوت است؛ همان گونه که خود الذریعه در ذیل مدخل «نهاية النهاية» آورده است<sup>(۱۴)</sup>. بنابراین در الذریعه بیشتر از ۱۱ شرح و ۲۲ حاشیه شمارش نشده است و همین عدم تحقیق نویسنده باعث شده است تا تألیف میرزا ابوالحسین مشکینی را هم در ذیل شروح شمارش کند و هم در ذیل حواشی، حال آنکه این دو، یک تألیف است که مکرراً در حواشی متن کفایه به چاپ رسیده است. همچنین تألیف سید حسن رضوی قمی (نهاية المأمول)، و سیدحسن اشکذری یزدی را جزء حواشی شمارش کرده اند و حال آنکه این دو کتاب، شرح کفایه است. جهت بررسی این موارد به الذریعه مراجعه شود.<sup>(۱۵)</sup>

ضمناً بهتر، این بود تا در ذیل شروح کفایه، از شرح مهم و دقیق و ارجمند عنایة الاصول، تألیف مرحوم فیروزآبادی نام می بردند تا شروح غریبی مثل شرح اشکذری و رضوی.

۴) در ۲۴۹ / ستون دوم: میرزا محمدحسین نائینی صحیح است نه میرزا حسین نائینی.

۵) در ۲۴۹ / ستون دوم: لازم بود تا در زمره اصولیون بزرگ دوره ششم، از حضرت امام خمینی-سلام الله علیه- نام می بردند. هر مدقق منصفی با رجوع به نظرات و اندیشه ها و آراء اصولی ایشان اذعان خواهد کرد که آن عالم بی همتا نسبت به آقران و معاصرین خود یقیناً به مقدار مرحومان آیات الله حائری و تنکابنی و عراقی به ذمه علم اصول حق دارند. در این مورد به تقریرات اصول ایشان و هم چنین حواشی بر عقلیات کفایه- که عنقریب منتشر می شود- مراجعه فرمایند.

۶) در ۲۴۹ / ستون دوم: از کتاب ارجمند شهید آیت الله محمدباقر صدر با عنوان اصول الفقه یاد کرده اند که غلط است و صحیح آن، «دروس فی علم الاصول» است که مشهور به

«حلقات الاصول» می باشد.

۷) در ۲۴۹ / ستون دوم: المعالم الجديده للاصول صحیح است و نه المعالم الجديده الاصول. احتمالاً غلط چاپی است. هشتم: ص ۲۶۹/ در پایان مدخل اعجاز قرآن لازم بود تا از بعضی کتب مهم که در این زمینه با همین نام تألیف شده است، ذکری شود. نظیر: اعجاز القرآن محسن بن حسین بن احمد نیشابوری خزاعی، و الکلام فی وجوه اعجاز القرآن شیخ مفید و الصرفة فی اعجاز القرآن سید مرتضی.

نهم: ص ۳۲۸/ ام ایبها از القاب خاصه و مهم حضرت فاطمه- سلام الله علیها- است. باید مدخلی تحت این عنوان را به مدخل فاطمه ارجاع بدهند.

دهم: ص ۵۵۷/ در مدخل مربوط به شرح حال شیخ انصاری:

۱) گفته اند در ۱۲۳۶ ق به ذرفول بازگشت اما یکسال بعد به کربلا رفت که صحیح نیست. شیخ به مدت دو سال در ذرفول توقف داشته است.<sup>(۱۶)</sup>

۲) وفات شیخ موسی کاشف الغطاء را ۱۲۴۲ ق ذکر کرده اند در حالی که در مدخل آل کاشف الغطاء ۱۲۴۱ ضبط کرده اند<sup>(۱۷)</sup> که دومی یقیناً واولی هم احتمالاً اشتباه است. زیرا وفات وی را ۱۲۴۳ نقل می کنند اگر چه ریحانة الادب، آن را بین ۴۲ و ۴۳ متردد دانسته است.<sup>(۱۹)</sup>

۳) وفات مرحوم نراقی، استاد شیخ را ۱۲۴۴ ق ذکر کرده اند که صحیح ۱۲۴۵ ق است.<sup>(۲۰)</sup> اگر چه صاحبان اعیان الشیعه<sup>(۲۱)</sup> و ریحانة الادب<sup>(۲۲)</sup> وفات او را متردد بین سالهای ۴۴ و ۴۵ دانسته اند، لیکن از عبارتی که در الکرام البررة آمده، مشخص می شود وفات نراقی در ۴۵ واقع شده است.<sup>(۲۳)</sup>

۴) در آنجا که گفته شده در «۱۳۵۲ یا ۱۳۵۳ ق برای همیشه به عتبات رفت و یک چند در نجف در مجلس درس شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۵۳ ق) حاضر شد»، باید گفت: زهی بیدقتی؛ اولاً شیخ که در سال ۱۲۸۱ ق وفات کرده است، چگونه در ۱۳۵۲ یا ۵۳ برای همیشه به عتبات رفته است؟ این غلط، غلط چاپی هم نیست چرا که اگر ۱۲۵۲ یا ۱۲۵۳ هم باشد، با توجه به مرگ کاشف الغطاء که ۱۲۵۴ است و عنایت به اینکه شیخ، بنا بر نقل کتب تراجم در شرح حال او، چند سال از

اردبیلی، حاج سیدنیونس، در فهرست دو مرتبه آمده است ولی در متن یکی بیشتر وجود ندارد.

پانزدهم: ص ۶۸۵ / در فهرست، ۱۵ عنوان «اصفهانی» وجود دارد حال آنکه در متن ۱۶ مدخل «اصفهانی» شرح شده است. مدخل اصفهانی، امیر سیدمعزالدین در فهرست ذکر نشده است.

شانزدهم: ص ۶۸۹ / در فهرست ۶ عنوان «انصاری»، بدون هیچ گونه توضیحی ضبط شده است در حالی که در متن ۱۱ عنوان «انصاری» شرح شده است.

هفدهم: ص ۶۹۰ / در این صفحه نیز ۳ عنوان «ایروانی» بدون توضیح ضبط شده است و در حالی که در متن ۷ عنوان «ایروانی» شرح شده است.

توضیح اینکه احتمالاً چنین اشتباهاتی (چهاردهم تا هفدهم) در فهرست عناوین مدخلها بیش از این سه مورد باشد. تنها این چند نمونه پیگیری شد و باقی موارد استقصاء نشده است.

\*\*\*\*

در خاتمه: چند نکته را جهت اطلاع تدوین کنندگان فرهنگ دوست دایرة المعارف تشیع به عنوان پیشنهاد و تذکار خاضعانه تقدیم می داریم:

۱) در تراجم علما و دانشمندان تشیع باید ضمن آنکه به دست اهل فن نوشته شود، مورد دقت قرار گیرد. در برخی از موارد که برای جلوگیری از تلقی بی احترامی از ذکر آنها معذوریم، بعضی از تراجم را ملقب به القاب عجیب و غریبی کرده اند که هر آشنایی از آن متعجب خواهد شد.

۲) در کتابشناسیها نیز باید یک ضابطه معین وضع گردد. طبعاً در دایرة المعارف تشیع که به هر روی محدود است، طرح تمامی کتب نه ممکن است و نه جایز. ولی باید توجه داشت که کتبی نظیر آراء اهل المدينة الفاضله (فارابی)، ایقاظ النائمین و اتحاد عاقل و معقول (ملاصدرا)، انوار الفقاهه (کاشف الغطاء) - که در بعضی از مواضع هم از آن یاد کرده اند (۲۸) - الاصول الاصلیه (سیدعبدالله شبر)، اصول الفقه (محمدرضا مظفر) - که در مدخل اصول فقه آن را یکی از کتب جدید در شیوة آسان نگاری علم اصول محسوب کرده اند - اعجاز القرآن

درس شیخ علی کاشف الغطاء بهره برده (۲۴)، مطالب قابل جمع نیست و اصلاً هجرت شیخ به عتبات برای همیشه در سال ۱۲۴۹ ق بوده است. (۲۵) ثانیاً وفات کاشف الغطاء در ۱۲۵۴ رخ داده است نه ۱۲۵۳ (۲۶). ثالثاً شیخ در این ایام به درس صاحب جواهر هم حاضر می شده است و بدان هیچ اشاره ای نمی شود؛ اگر چه حضور او به احتمال قوی تیمناً و تبرکاً و به جهت احترام به صاحب جواهر بوده است.

یازدهم: ص ۵۸۶ / الحدائق الناضرة صحیح است نه حدائق الناضرة.

دوازدهم: ص ۶۴۲ / در مدخل «ایصال الطالب الی مکاسب» - که معلوم است نویسنده این مدخل اهل فن نبوده است - گفته اند: «... در حال حاضر از کتب درسی و رایج در حوزه های علمی شیعه است» باید گفت نه تنها این کتاب هیچ گاه از کتب درسی و رایج حوزه های علمی نبوده است، بلکه به هیچ وجه نمی توان آن را از شرحهای محکم و علمی درجه اول بر کتاب مکاسب هم محسوب نمود.

سیزدهم: ص ۶۶۵ / در مدخل «ایوانکی» در شرح حال شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم، در توضیح کتاب ارجمند و معروف وی «هدایة المسترشدين فی شرح معالم الدین» آورده اند که «بیش از ۶۰ هزار بیت به عربی که حاشیه ای است بر معالم الدین... منظور از ۶۰ هزار بیت به عربی چیست؟ مگر هدایة المسترشدين دیوان شعر است؟ ظاهراً این عبارت را از روضات الجنات نقل کرده اند، آنجا که فرموده: «... المسمی بهدایة المسترشدين فیما ینیف علی ستین الف بیت فی ظاهراً التخمین...» که ترجمه صحیح آن این است که تقریباً ۶۰ هزار خط است و استعمال لفظ بیت در فارسی به معنای خط به هیچ روی نه مستبوق است نه صحیح. (۲۷)

چهاردهم: ص ۶۸۲ / در فهرست عناوین مداخل دائرة المعارف، ۲۴ مدخل «اردبیلی» آمده است در حالی که در متن دایرة المعارف فقط ۲۲ مدخل اردبیلی وجود دارد. توضیح آنکه مدخل «اردبیلی»، تاج الدین در فهرست ۲ مرتبه آمده ولی در متن یکبار. مدخل اردبیلی، شیخ میرزا حسن در فهرست آمده لکن در متن وجود ندارد. مدخل اردبیلی، سید عزیزالله در متن وجود دارد ولی در فهرست نامی از آن نیست. نیز مدخل

روزافزون می‌کنیم.

پی‌نوشتها:

- ۱) محمد اسفندیاری، «اهتمامی بر اهمیت»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲، سال پنجم، اسفند ۶۷.
- ۲) محمدهادی مؤذن جامی، «نگاهی به دایرة المعارف تشیع»، کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال پنجم، مهر ۶۷.
- علی دوانی، «نگاهی دیگر به دایرة المعارف تشیع»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۰، سال پنجم، دی ۶۷.
- ۳) ر.ك: نشر النور، ۲۵/۱.
- ۴) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ص بیست و یک.
- ۵) ر.ك: الكنى واللقاب، ۲۵۷/۱.
- ۶) ر.ك: الكنى واللقاب، ۳۶۸/۱.
- ۷) ر.ك: لغتنامه دهخدا، ۷۵/۳۸.
- ۸) ر.ك: الكنى واللقاب، ۸۱/۳.
- ۹) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ۲۴۹/۲.
- ۱۰) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ۱۸۰/۲، ۲۱۹/۲، ۲۴۹/۲.
- ۱۱) ر.ك: تاریخ فلاسفة ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، ص ۱۹۸، انتشارات زوآر.
- ۱۲) ر.ك: الكنى واللقاب، ۱۳۳/۳.
- ۱۳) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ۵۵۷/۲.
- ۱۴) ر.ك: النریعه، ۴۰۸/۲۴.
- ۱۵) ر.ك: النریعه، ۱۸۸/۶، ۱۸۶، النریعه، ۳۴/۱۴ و ۳۵.
- ۱۶) ر.ك: اعیان الشیعه، ۱۱۸/۱۰، ریحانة الادب، ۱۹۰/۱.
- ۱۷) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ۲۰۷/۱.
- ۱۸) ر.ك: النریعه، ۱۳۳/۳.
- ۱۹) ر.ك: ریحانة الادب، ۲۸/۵.
- ۲۰) ر.ك: الكرام البررة (طبقات اعلام الشیعه)، ۱۱۶/۱.
- ۲۱) ر.ك: اعیان الشیعه، ۱۸۳/۳.
- ۲۲) ر.ك: ریحانة الادب، ۱۶۳/۶.
- ۲۳) ر.ك: الكرام البررة (طبقات اعلام الشیعه)، ۱۱/۱. آقابزرگ می‌نویسد:
- الى أن توفى بالوواء ليلة الأحد (۲۳ - ۲۴ - ۱۲۴۵) كما على ظهر بعض تصانيفه بخط أحد تلاميذه مع رثائه له.
- ۲۴) ر.ك: النریعه، ۱۱۸/۱۰.
- ۲۵) ر.ك: اعیان الشیعه، ۱۱۸/۱۰، ریحانة الادب، ۱۹۱/۱.
- ۲۶) ر.ك: النریعه، ۲۷۹/۷.
- ۲۷) ر.ك: روضات الجنات، ۱۲۴/۲.
- ۲۸) ر.ك: دایرة المعارف تشیع، ۲۰۷/۱، ۲۲۴/۲.

(علامه طباطبایی)، اصول فلسفه و روش رئالیسم و اسلام و مقتضیات زمان (استاد شهید مرتضی مطهری) و ... مسلماً و یقیناً به قدر کتب دیگری که بعضی هم به طور تفصیلی شرح شده‌اند، ارزشمند هستند و اگر از آنها مهمتر نباشند؛ به هیچ روی کمتر نیستند. بعضی از این کتب عبارتند از: مجله اضواء اعلام العراق الحدیث، انیس الواعظین، امثله، اسلام و مالکیت، اعمال السنه، اعمال الاشهر الثلاثة، اسلام شناسی و ... به هر حال تنظیم یک ضابطه صحیح، لازم به نظر می‌رسد.

۳) در تراجم علما از اجازات روایی و اجتهادی آنان که از منابع دست اول است، بندرت استفاده کرده‌اند.

۴) تعداد مجلدات و آخرین چاپ منقح کلیه کتب را ذکر کنند (به عنوان نمونه تعداد مجلدات اثبات الهداة و اسفار ملاحظه را ذکر نشده است، گو اینکه در مورد اسفار در قسمت منابع تعداد را ذکر کرده‌اند).

۵) منابع هر مقاله ای را به ترتیب حروف تهجی یا به ترتیب منابع دست اول و دست دوم ذکر کنند.

۶) فلسفه ادخال بعضی از مداخل نظیر «اندرونی» و «اندود» و «آب نما» و ... در این دایرة المعارف که صرفاً دربر دارنده امهات معارف تشیع است، معلوم نیست و آنچه که در مقدمه دایرة المعارف در بخش «محتوا و دامنه اشتمال» آورده‌اند، شامل این گونه مداخلها نمی‌شود.

۷) لازم است مشخصات کامل کتابشناختی تمامی آثاری که در منابع آمده است، به ترتیب حروف الفبا در آخر هر چند جلد ذکر شود. با اینکه در مقدمه وعده چنین کاری را در پایان جلد دوم داده‌اند، لیکن در خاتمه جلد دوم چنین چیزی وجود ندارد.

۸) مناسب است پس از انتشار کلیه مجلدات یا هر چند جلد، یک جزوه مستدرک، برای جبران مافات و تصحیح اشتباهات منتشر شود تا کسانی که چاپهای اول را تهیه می‌کنند، متضرر نگردند.

در فرجام سخن، مجدداً ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که آنچه در این نقد شمرده شده، در مقابل کار سترگی که آغاز شده است، اندک بوده و بی‌گمان نشانگر توجه و علاقه ما به این کتاب است. بار دیگر برای فراهم آوردن آرزوی توفیق